

یه جوونی گفت اگر این مسئله آیه داشت من انجام می‌دادم، گفتم: شما نماز می‌خونی؟ گفت بله، گفتم شما هر کاری که آیه نداشته باشه انجام نمیدی؟ گفت: نه. گفتم: بسم الله، کجای قرآن نوشته نماز صبح دو رکعتیه؟ فکر کرد، گفت مگه ننوشته؟ گفتم نه. قرآن کلیات رو گفته... عقل ما هم همین طوره. گاهی ما با عقل یه چیز رو می‌فهمیم که نیاز نیست حتما در قرآن بخونیم تا بدونیم، مثلا شما اگه تشریف ببرید هند، تو هندوستان، طرف گاو پرسته اما می‌دونه قتل بده. می‌دونه دروغ بده، می‌دونه حرف زشت بده! (اینها رو میگن حسن و قبح عقلی). اما نمی‌دونه نماز نخوندن بده، چون اینو باید شرع بگه، نمی‌دونه نماز نخوندن خوبه (اینها رو میگن حسن و قبح شرعی) ما اگه بخوایم به جزئیات پردازیم، لازم داریم به یه جای دیگه رجوع کنیم. کجا نوشته شده؟ تو روایات نوشتند، ما باید در بیان جزئیات بریم سراغ روایات، چرا ما مشکلات عدیده ای در بخش اسلامی داریم با نمونه‌های مختلفی که در دنیا هست.

مسلمونایی داریم که فلان طور وضو می‌گیرن، ما این جور وضو می‌گیریم، اونا فلان مدل نماز می‌خونن، ما این جور نماز می‌خونیم، اینا به خاطر همین مساله است! ما شیعیان معتقدیم که اهل بیت (علیهم السلام) مفسرین قرآنند، همه اهل بیت می‌فرمایند که اگر یک حرف از دهانمون خارج شد، به من بگید تا بگم از کجای قرآنه، حرفی نیست که ما بزنیم و تو قرآن نباشه، **وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابِ مَبِينٍ**، هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب هدایت آمده است، آیه ی دیگه ای داریم که **تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ** قرآن بیان است برای هر چیزی. بنابراین یعنی در قرآن همه چی هست، پس چرا ما نمی‌بینیم؟! اونا تو بطن قرآنه؛ که اهل بیت اینو می‌فهمن، لذا در قالب روایات اینو بیان کردند. بسیاری از معارف مهدویت کلیاتش در قرآن اومده؟ اما بیان جزئیات باز هم توی روایاته.

(حالا با توجه به اینکه بحث مهدویت داریم عرض می‌کنم) مثلا در مورد غیبت صغری یا کبری، کی ظهور اتفاق میفته؟ علائمش چیه؟ شرائطش چیه؟ یقینا به همه اینها تو قرآن پرداخته، اینا جزئیاتش توی روایات اومده، لذا ما لازم داریم برای یکی از مباحث بسیار مهم مهدویت، بحث «امام مهدی در روایات» رو فرا بگیریم. شما یه بررسی بکنید هر چی تقریبا از روز اول تا روز آخر شما دارید بحث مهدویت می‌بینید، بی ارتباط با بحث روایات نیست. لاجرم ناچارند بحث انتظار رو مطرح کنند و به روایات مراجعه کنند، بحث امام مهدی در قرآن می‌خوان بگن باید به روایات پردازند، بحث رجعت رو می‌خوان بگن، باید به روایات پردازند... هر کسی که بخواد مهدویت بگه باید از روایات کمک بگیره، مگر اینکه طرف بخواد از خودش بگه، که مبنای روایی هم نداره، همین جور میان یه چیزی می‌گن! البته یه بحثی هم هست. در بحث

روایات آگه بخوایم بعضی از اصول رو بفهمیم خودش جلسه ای مفصل می‌خواد، مثلاً خبر واحد چیه؟ خبر متواتر چیه؟ صحیح چیه؟ ضعیف چیه؟ اما با توجه به فضای جلسه (دوره مقدماتی معارف مهدوی) اینگونه بحث رو شروع می‌کنم.

روایات ما در یک نگاه کلی به چهار بخش تقسیم میشه :

۱. **روایات تفسیری** : یعنی تفسیر و تاویل آیات رو بیان می‌کنند، یعنی می‌گه تاویل این آیه اینه که مربوط به امام زمان (عج الله) هست. مثلاً سوره ملک آیه ۳۰ **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ** « اگر آبها به زمین فرو روند پس چه کسی برای شما آب گوارا می‌آورد؟! » روایات داریم که **ماء** رو به امام زمان (عج) نسبت داده، کیفیتش رو هم داره می‌گه. امام می‌فرمایند : این آیه داره میگه، **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ** اینو بهش می‌گن تاویل، تاویل یعنی داره بطن قرآن رو میگه، مطلبی که از ظاهر آیات متوجه نمیشی.

یه سری آیات تفسیری اند، از روی تفسیرش به بخشیش میشه پی برد، باز ما برای تفسیر نیاز داریم به اهل بیت (علیهم السلام) که ببینیم تفسیر این آیه چیه؟ مثل آیاتی که می‌گن متشابه! همه می‌فهمن **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** یعنی چی (گرچه تفسیر هم داره، اما بطور کل) یعنی بگو خدا یکی ست، اما یه جایی رو ما نمی‌فهمیم که قرآن چی داره می‌گه، مثلاً می‌گه **يَدَالِلُهُ**، آگه می‌فهمیدیم ما با سایر فرق اسلامی باید در این جا به یه هدف می‌رسیدیم که این **يَدَالِلُهُ** منظور دست خدا نیست، یه چیز دیگه رو می‌خواد بگه، لذا بحث جدیه.

۲. **روایات اخباری** : روایاتی که از آینده خبر میدن، مانند : نشانه های ظهور، نحوه حکومت حضرت. علائم ظهور.

۳. **روایات تاریخی** : روایاتی که از گذشته خبر میدن، مثل نحوه ولادت حضرت، تاریخ زندگانی شون، تویعها و نامه های حضرت (عج الله)

۴. **روایات تبیینی** : بعضی‌ها می‌خواد بگه که علت غیبت چیه، وظائف منتظران چیه، حکم گفتن نام امام چیه و غیره

یک تقسیم بندی دیگه هم بگم : روایات مهدوی یا روایت عام اند، یا روایت خاص :

روایات عام: مربوط به خود مهدویت نیست، اما بخش مهمش بحث مهدویت هست، مثلا روایتی که می‌گه جانشینان پیامبر به عدد نقبای بنی اسرائیلند، نقبای بنی اسرائیل چند تابودند؟ دوازده تا. **روایات خاص** هم داریم: روایتی که درخصوص خود حضرت حجة (سلام الله علیه) بحث شده، که بیش از دوهزار روایت، روایت خاصه داریم.

اما جایگاه روایات در مهدویت؟

۱. ما عرض کردیم که جزئیات رو کجا باید بگردیم، کلیات رو دنبالش؟ از ظاهر قرآن و کلیات آن، نمی‌شه جزئیات رو فهمید، نمی‌تونه کسی بگه مسلمانم **حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ** کتاب قرآن برای من کافیه، اگر کسی بگه **حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ** فقط قرآن، گیر می‌کنه، خیلی از احکام در ظاهر قرآن بیان نشده، پس ناچاریم برای فهم دقیق و فهم صحیح از دین، به روایت مراجعه کنیم. اهمیت و جایگاه روایت این قدر مهمه، که فهم و شناخت صحیح دین رو فقط از روایت میشه فهمید. ما زمان ظهور امام (علیه السلام) که نیستیم ببینیم که، در قدیم سنت رو افراد رو می‌دیدند، خودشون می‌دیدند مثلا یک حرکت امام، یک عمل امام بدون اینکه امام صحبت بکنند، برای ما حجتیه، مثلا امام این طوری وضو گرفتند، یکی داره نگاه می‌کنه وضو گرفتن امام، بعد می‌گه امام این جوری وضو گرفتند. مثلا آب ریختند دستاشونو شستند و بعد این دعا رو خونند، صورت رو شستند، بعد به دست راستشون، از کجا تا کجا شستند، خب اینا رو راوی داره نگاه می‌کنه، عمل امام حجت شرعیه ست، لذا الان که ما نمی‌تونیم امام زمان رو ببینیم و محرومیم از دیدن حجت خدا، مجبوریم همون سنت رو هم از روایات پیدا کنیم، که مثلا راوی گفته من دیدم که امام این طور وضو گرفت، دیدم امام این طور نماز خونند، رکوع رفت، سجده ایشان چگونه بود... پس ناچاریم برای فهم صحیح قرآن، برای فهم صحیح دین، به روایات رجوع کنیم.

۲. ما برای تحقیق لازم داریم یه روش مناسب و صحیح داشته باشیم، بهترین روش در رسیدن به معارف مهدویت، روایات اند، فقط روایات اند، از غیر روایات نمی‌تونید دقیق برسید.

۳. برای اینکه دین رو بفهمیم باید رجوع کنیم به آورنده دین، آورنده دین کیه؟ پیامبرانند (و بعد از ایشان) وصی ایشان، ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند که باید بریم سراغ اینا، اینها که دین رو آوردن چی دارن در مورد دین می‌گن، نه که ما خودمون می‌فهمیم، خودمون می‌دونیم، باید این معارفی که ما می‌خوایم پی‌گیری کنیم، هم مستند باشد هم عقلانی باشد، من یه چیزی بهتون بگم، مثلا یکی میاد می‌گه «آقا جان من تو قرآن خودم خوندم و فهمیدم که نباید نماز خونند، از کجا فهمیدی،

لا تقربوا الصلاة یعنی چی؟ یعنی به نماز نزدیک نشید، من این جوری فهمیدم «دیدین بعضی‌ها چقدر قشنگ کلمات رو می‌برن، این تقطیع همین جوری دیگه، می‌گه آقا داره یه صحبتی می‌کنه، آقا براش درست می‌کنن، این حرف رو زده، این فرد نمی‌دونه که قبلش چی بود... بعدش چی بوده... تو قرآن می‌گه **لا تقربوا الصلاة** یعنی به نماز نزدیک نشید، بعدش می‌گه و **أنتم سُكَّارِي**، در حال مستی به نماز نزدیک نشید، نماز که مسخره بازی نیست که! ما به خاطر اینکه بتونیم هم با روش عقلانی، هم با روش مستند حرف بزنیم، نه با خواب (که نه صمد خواب دید امام زمان رو و گفت، به فلانی بگید این جور) یه خانمی رو گرفته بودند، دستگیر کرده بودند، ایشون کلی هم مُرید داشت و یه آقا هم گفت که بنده خواب دیدم که، امام زمان (علیه السلام) گفتند که دست فلانی رو رو کن، رسواش کن، من وظیفه دارم که اینجا فلانی رو رسواش کنم، اسم می‌برد که من وظیفه‌ام اینه...

۱. **بررسی تعداد روایات**: ما ۲۰۰۰ روایات خاص مهدوی داریم. ۲۰۰۰ متن روایی داریم، یعنی چی متن روایی داریم؟ ۶۰۰۰ سند داریم، یعنی چند نفر نقل کردند. گاهی یه روایت رو چند نفر نقل کرده اند، مثلاً فلانی نقل کرده، فلانی هم اونو نقل کرده، اهل سنت هم نقل کردند، اینا هر سه تاش با هم میشه چند تا؟ یه روایت، اما سنداش با هم می‌شه چند تا؟ مثلاً میشه ۳ تا... اینکه می‌گیم ما ۶۰۰۰ سند داریم و کل روایت مهدوی ۲۰۰۰ تاست توضیحش همینه.

۲. **دسته بندی روایات**: روایات به هفت دسته تقسیم می‌شن:

دسته ی اول: ضرورت وجود امام رو بررسی می‌کنند، خیلی مهمه‌ها، آخه تعداد روایات خیلی مهمه، مثلاً ما می‌خوایم بفهمیم نماز چقدر مهمه، کافیه شما برید داخل یه نرم افزار قرآنی سرچ کنید صلاة، رکوع، قیام، هر لفظی که مربوط به نماز سرچ کنید، بذارید کنار همدیگه، ببینید چه تعداد می‌شه؟! مثلاً ۲۰۰ بار اومده و تاکید کرده، این قدر تاکید شده، اینا خیلی اهمیتش بالاتره از این حرفاست. بخشی از روایات هست که اگر امام زمان (علیه السلام) نباشد چه اتفاقی می‌افته، وحشتناکه! امنیت زمین به وجود امامه، شیعه معتقده اگه یه لحظه (تازه این حداقلشه) حداقلش اینه، که اگه یه لحظه توی عالم هستی، وجود امام نباشد، **لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا**، یعنی چی؟ یعنی همون سوره قرآن که **اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا، وَاخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا، وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا**، چی می‌شه قیامت می‌شه؟ زمین زیر و رو می‌شه و دقیقاً قیامت زمانی است که امام نیست، حجت خدا بر زمین نیست. دسته که امام غایبه، اما ایشان حاضره، غیبت به معنای عدم مشاهده است، نه به معنای عدم حضور! امام حاضرند.

دسته دوم: احادیث دوازده امام

دسته سوم: روایاتی پیرامون ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) نقل شده

چهارم: غیبت و مسائل پیرامون غیبت که توی سیر کلی مباحث مهدویت هست

پنجم: درباره انتظار و مباحث مربوط به انتظار

ششم: ظهور و قیام امام مهدی (ع)

تنها گروه اسلامی که معتقدده و اسم می‌تونه بیره که بعد از پیغمبر ۱۲ تا خلیفه اند و در آنها هم اختلاف ندارند ما شیعیانیم، در یکی از مذاهب اهل سنت، وقتی می‌خوان ۱۲ تا رو نام ببرند، توی بردن این ۱۲ تا نام با هم اختلاف دارند، اولی رو می‌گن اولی، دومی رو می‌گن دومی، سومی رو سومی، چهارمی علی ست (سلام الله علیه)، یه دفعه از معاویه که می‌خوان رد شن که معاویه رو به عنوان پنجمی مطرح می‌کنن به عنوان جانشین پیغمبر، دیگه اینجا باهم به اختلاف می‌افتن، هرچی می‌گن، می‌گن این نه، اون نه این، با همدیگه اختلاف دارند! شما آگه یه جایی می‌خواستید گیر بیارید جای خوبیه، بگید «آقا بسم الله شما نام ببر؟ بگو این ۱۲ تا کیان؟ در کتب روایی اهل سنت هم نقل شده...»

شیعه باید کجا دنبال روایاتش بگرده؟ ما ۴ تا منبع اصلی داریم تو شیعه، منابع شیعه زیادن‌ها، اما ۴ تا منبع اصلی داریم، به اینا بیشتر استناد می‌کنیم. البته داخل پراتنز: (یه بنده خدایی می‌گفت شیخ عباس قمی خیلی مقام و شخصیت علمیش بالاست، گفتم آره. گفت حاج آقا حتی یه دونه از این مباحثی که ایشون مفاتیح فرمودند رو هیچکی نتونسته خدشه وارد کنه. گفتم نه، کی همچین حرفی زده؟! ایشون از علمای علم رجال بوده، خیلی روایتو خوب می‌فهمیده، خیلی دقیق به اون ادعیه و روایت تو مفاتیح الجنان آورده اما ما حتی تو این چهار منبع شیعه "کتب اربعه" که از منابع اصلی مونه، کسی نمی‌تونه به جرأت بازش کنه بگه، همه‌ی این روایاتش صحیحه، ولی به عنوان منبع اصلی مون بهش مراجعه می‌کنیم) اینا تقسیم بندی داره، باید روایان حدیث رو ببینیم، «اصول کافی» از مرحوم کلینی ست تقریباً ۱۶۰۰۰ روایت رو نقل کرده، «مَنْ لَا يَحْضِرُهُ الْفَقِيه» از شیخ صدوقه، «تهذیب» از شیخ طوسیه و «استبصار» که این هم از شیخ طوسیه؛ دو تا کتاب روایی از منابع اصلی شیعه ان که هر دو مال شیخ طوسی اند که شخصیت‌های بسیار بسیار ارزشی و ارزشمند و تاثیرگذار در تاریخ اسلام بودند.

کتب اهل سنت هم «صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ابن داوود، سنن ترمذی و سنن نسائی» ست اما اهل سنت معتقدند اگر در این کتب شش گانه شون روایاتی باشه خصوصاً توی صحیح بخاری و صحیح مسلم، این‌ها معتقدند که ما این روایات رو صحیح می‌دونیم و بهش اکتفا می‌کنیم، هر روایتی توش اومده باشه از اول تا آخرش. (البته یکی از بزنگاه‌های دیگه همین جاست) این چند تا کتابی که براتون گفتم اون منابع چهار گانه شیعه و منابع شش گانه اهل سنت اینا در مورد همه چی بحث کردند اما بعضی از کتب خاص حضرت مهدیه، بعضی کتب بخشی از آن پیرامون حضرت مهدیه، مثلاً «بحار الانوار» بخشی از بحار که صد و چند جلده، چند جلدش در مورد حضرت مهدیه، یا «الغیبه» مرحوم نعمانی که کتاب مخصوص حضرت مهدی ست از جمله «کمال الدین و تمام النعمه»، «کتاب الغیبه»، «منتخب الاثر» از آیت الله صافی گلپایگانی، و «مُعْجَمُ الْأَحَادِيث» هم خیلی کتاب جالبیه که آیات مهدویت رو هم تو این آورده و خیلی ام کتاب شریف و ارزشمندیه، جمع آوری این کتاب مال قدیم نیست، جدیده، بخشی از اندیشمندان و صاحب نظران دور هم

جمع شدند این کتاب رو جمع‌آوری کردند، کتاب بسیار بسیار مهم و ارزشمند، خوب البته اهل سنت هم پیرامون مهدویت کتاب‌هایی دارند، که ما رد بشیم بتونیم به اصل بحث‌مون برسیم، مثل «المهدی فی القرآن» از کتب اهل سنت، مثل «رساله فی المهدی»، «القرآن فی علامات مهدی آخرالزمان» اینا کتب اهل سنته که پیرامون مهدویت. البته اهل سنت‌ها، فکر نکنید وهابیت سنی‌اند! وهابیت اصلا یه جریان دیگه‌ست، من راحت بهتون بگم بدون هیچ تردیدی مثل بهائیت می‌مون، شما بهائیت رو مقابل شیعیان می‌دونید؟ وهابیت دقیقا همین جوریه...

درمکه، یه جایی دیدم همه تو صف هستند گفتیم شاید مثلا گوشتی، مثلا کوپنی چیزی دارن توزیع می‌کنن که ملت این قدر صف وایستادند! شله میدن؟! خوب نگاه کردم دیدیم بله، دست پر دارن میان از جلو، وایستیم ببینیم به ما چی میدن، کنجکاو شدم دیدم بله به همه دارن کتاب و CD تحویل میدن! بنده شنیده بودم اما ندیده بودم که الحمدالله توفیق هم شد!! از نزدیک کتاب رو دیدم دست ملت، بعد جالبه این ایرانیه می‌گفت بده، بازم بده، اونم می‌گفت (بگیر، رُو رُو...) باز دوباره بازم می‌گفت بده، حالا کتاب‌ها چی بودند؟ علیه امیرالمومنین (علیه السلام)! علیه امام زمان (علیه السلام)! علیه عقاید شیعه! اینا خوشحالند کتاب مفتی می‌گرفتند!! مفت باشه کوفت باشه، نمیگه مرد حسابی! تو که اینا رو داری می‌خونی، آیا وقت داری جوابشو هم بخونی یا بشنوی؟! در اهل سنت در این که مهدی از نسل پیغمبره، در اینکه مهدی از نسل علی‌ست، در اینکه مهدی از نسل فاطمه‌ست، با هم هیچ تردیدی نداریم، چون اونا هم روایت نقل کردند، بعد جالبه در همین وهابیت که گفتم مثل بهائیت می‌مون، کتابی نوشته عثمان خمیس، بهش می‌گن عثمان خبیث به نام «عجیب‌ترین دروغ تاریخ» وقتی بازش می‌کنیم می‌بینیم نوشته مهدی عجیب‌ترین دروغ تاریخه! نامردا شما که روایت دارید چرا می‌گید عجیب‌ترین دروغ تاریخ؟!

عرضم به حضورتون که اعتبار روایات مهدوی، که ما می‌خوایم بدونیم چقدر معتبرند، از حیث اینکه منابع روایی ما هم قدیمی‌اند و هم فراوان، بسیار معتبرند، کتاب‌های روایی شیعه درباره‌ی امام مهدی (علیه السلام)، بعضیش مال قبل از تولد امام زمانه، بعضیش روایات داریم که از خود پیغمبر نقل شده: مثلا تو همین «مُعْجَمُ الاحادیث» از پیغمبر روایت نقل، از امیرالمومنین (علیه السلام)، از حضرت زهرا (علیها السلام)، از امام حسن مجتبی (علیه السلام)، از امام حسین (علیه السلام)، از امام زین العابدین (علیه السلام)، همین جور بیاید امام باقر، امام صادق (علیهما السلام) تا خود حضرت مهدی (عج الله) که از زبان حضرت مهدی روایت گفتند... خیلی مهمه؛ هم فراوانه هم قدیمیه، سند روایت تصریح به صحت شده و تواتر (متواتر یعنی از چندین نفر و از چندین سند نقل شده که احتمال دروغ به هیچ عنوان نمی‌ره) یکی هم تو مقبول بودنشه، از این باب که هم محدثین شیعه و هم محدثین اهل سنت اینو نقل کردند. وقتی هم شیعه نقل کرده و هم سنی، چه پیامی داره؟ می‌گیم این روایت باید خیلی معتبر و قوی باشه از این باب که هم ما نقل کردیم هم اونا نقل کرده‌اند...

روایات مهدویت از حیث سندی و متنی قوی‌اند، خدشه به همشون به کار نمی‌ره، اکثریت نزدیک به اتفاق اهل سنت می‌گن قویه، ولی بخشی شون می‌گن ضعیفه، شبهاتی مطرح کردند: مثلا شبهه‌ای که ابن خلدون گفته! خوب اگه بخوام شبهه ابن خلدون رو براتون باز کنم، فقط قدری عرض کنم تا متوجه بشید این شبهات هم مثل خودشون آبکیه، تا همین

حد بفهمیم و رد بشیم، اینا گفتند که «خب ما همه‌ی روایات مهدویت رو بررسی کردیم و همه شون ضعیفه» این ادعاشونه! اولاً ما این رو می‌گیم: ۱. جناب ابن خلدون شما متخصص حدیثی نیستید، شما اصلاً تخصصی در شناخت حدیث ندارید که بخواید همه رو بررسی بکنید و ادعا بکنید که همه‌ش ضعیفه، متخصصین دیگری از اهل سنت بودند بررسی کردند گفتند صحیحه، تو می‌گی ضعیفه؟! تو متخصص حدیثی؟!، ما نمی‌تونیم به حرف تو استناد کنیم!

گرچه ما هم مدعی نیستیم که همه‌ی روایات قوی‌اند، ما هم گفته‌ایم که بعضی ضعیفند، مگه من همون اول نگفتمما نمی‌تونیم بگیم هر چی در کتب اربعه اومده صحیحه، گرچه روایات بسیاری هم موجوده در همین منابع که صحیح است. اینکه بعضی از مراجع می‌گن "تسبیحات اربعه ۳ مرتبه بنا بر احتیاط واجب، بعضی‌ها می‌گن یه مرتبه کافیه" او احتیاط کرده، هر دو تا می‌گن یک‌بار، اما بعضی میگن سه بار احتیاط واجب، ببینید می‌گه احتیاط واجب. چرا می‌گه؟ چون یه روایتی دیده که ضعیف بوده، مرجع این روایت رو قابل تأمل می‌دونه، و لذا چون می‌ترسم بیفته به گردن خودم، مجبورم درست بگم، لذا می‌گم "احتیاط کنید" سه بار بگید، لذا بخوایم ببینیم همه‌ش صحیحه باید بریم همه رو در بیاریم دیگه، می‌گیم پس بررسی نکرده آقای ابن خلدون همه روایات رو.

۲. همه روایاتی رو که بررسی کرده و سند آورده که گفته این روایات ضعیفند، وقتی می‌خواستند دلایل ضعفشون رو بیاره همشون رو رد نکرده! بخشی شونو رد کرده. ۳. بعضی از اونایی هم که رد کرده و گفته ضعیفه، علمای اهل سنت گفتن «بی خود کرده گفته ضعیفه، آقا این قویه؛ سلسله راویان به این آقایون می‌خوره، این آقا ضعیف شمرده، او حرف خودشو زده، برای خودش گفته، اینها قویه. ۴. مبنای ابن خلدون که مبنای رجالی بوده، بعضی‌ها رو ثقه می‌دونسته (ثقه یعنی مورد اطمینان)، بعضی‌ها رو ثقه نمی‌دونسته بلکه ضعیف می‌دونسته، بعضی‌ها رو کافر و زندیق معرفی کرده! مبنای رجالی‌ش مبنای صحیحی نبوده. ۵. این آقای ابن خلدون بی طرف هم نبوده، بعضی افراد متاسفانه همین جوریند دیگه، گاهی بر اساس عناد و دشمنی ای که دارن...! (دیشب اخبار می‌گفت او یاما فکر کنم گفته بود یا جان کری بود، گفت شبکه‌های اجتماعی خیلی جای خویبه برای اینکه افکار و عقایدمون رو به جوان‌ها منتقل کنیم! این‌ها اعترافاتی‌اند که گاهی اوقات از شون در میره...)

یه کلیبی از آمریکایی‌ها دیدم که خودشون اون‌جا ابلاغ می‌کنن، می‌گن که یه خطر بزرگ خاورمیانه رو تهدید می‌کنه، و اون چیه؟ افزایش مسلمانان معتقده... مگر وهابیت ساخته‌ی محمد بن عبدالوهاب نبود؟! بخونید چه کسی اومد سراغ محمد بن عبدالوهاب؟! مستر همفر انگلیسی، بخونید که علی محمد باب که بعد بهائیت رو درست کرد کی میاد سراغش؟ سفیر دولت روسیه بود! اصلاً این استعمارگرهای پیر از قدیم اولین چیزی که دست می‌داشتند فرهنگ و دین مردم بود، همین قبل انقلاب، مخالف نبودند با عزاداری البته با کدوم عزاداری؟! عزاداری که براشون ضرری نداشته باشه! حالا من دقیقاً یادم رفته اون بزرگوار کی بود، عالم بزرگ شهر رو بردند اعدام کنن، تیر بارون کنن، تو شهر هم داشتند عده ای قمه می‌زدند. یک نفر دوید رفت دید یه جمعیت عظیمی دارن قمه می‌زنن، صدا زد گفت آقا بیاید... نمی‌خواد کاری بکنید

فقط با قمه‌هاتون پاشید بیاید جای مجلس اعدام، قمه‌ها رو فقط نشون شون بدید، تا اینا برن، گفتند ما کار سیاسی نمی‌کنیم، ما برای امام حسین (علیه السلام) اومدیم اینجا، با قمه تو سر خودمون می‌زنیم... اون عالم بزرگوار اون جا اعدام شد اینا نرفتند! دشمن مشکلی با این عزاداری نداره، که ملت به دور و بر نگاه نکنه، فقط بگن حسین و هی تو سرشون بزنی، ندونه حسین اصلا با چه هدفی اومده؟

بگذریم، یه عده هم گفتند در صحیحین از مهدویت چیزی نیومده، ما پاسخی که داریم اینه :

۱. اولاً روایاتی رو مثلاً ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ گزینش کرده اند و گفته اند که اینا در صحیحین نیومده! خب ما هم اینو قبول داریم که بعضی روایات در کتب اهل سنت نیست.

۲. نیامدن در صحیحین که ملاک ضعف نیست! چون خود همین اهل سنت روایتی که در صحیحین شون (صحیح مسلم و بخاری) نیومده رو بهش عمل میکنن! اگر ضعیفه اونا هم ضعیفه، اگر ملاک ضعیف بودن روایتی، نیامدنش در صحیحین باشه ما روایت داریم که در صحیحین نیومده، و شما می‌گی قویه، نخیر باید بگید اینا هم ضعیفه و دیگه بهش اکتفا نکنید. مثلاً یه روایتی اینا دارند که تو این روایت آمده که "عَشْرَةٌ مُبَشِّرَةٌ" که ده نفر بودند میگن روایت داریم که بهشتی اند و اینها تو صحیحین نیست.

۳. ما روایات متعدد مهدوی داریم که تو صحیحین اومده، چرا اونا رو بررسی نکردید؟؟ اگر دلیل بر ضعف باشه اونا رو هم باید بررسی می‌کردید دیگه، دلیل بر ضعف اینا چیه؟؟ احادیثی مهدوی که در صحیحین آمده...

مورد بعدی رو هم بگم، همین وهابیت خبیث که عرض کردم منابع مالی داره، منابع پشتیبانی داره، متاسفانه تبلیغات گسترده هم که داره، ورود هم پیدا می‌کنند به بعضی از مناطق ما، کما اینکه انگلیس (من خیلی راحت عرض کنم) با فرقه‌های خاصی که تو شیعه هم ورود پیدا کرده اند، متاسفانه تو بعضی (انگشت شمار از) هیئت‌های مذهبی ما نفوذ کرده، و خط میدن، که امروز چی گفته بشه... وهابی‌ها هم در برخی فرقه‌های اهل سنت نفوذ کرده اند، نیرو جذب می‌کنند، از شیعه دارند نیرو جذب می‌کنند، اینا دارن آثار رو پاک می‌کنند. یکی از علما می‌گفت، ما کتبی رو که اصلی هم هست رو در کتابخانه ما منبع‌های ما وجود داره، خوب مراقبت کنیم و نگه‌شون داریم، چون دست گذاشته اند رو حذف، خصوصاً بعضی از روایاتی که دارن از اونها ضربه می‌خورند مثلاً روایات حضرت زهرا(س)، اینا دارن دستکاری می‌کنن، حذف می‌کنن، بخشی شو حذف می‌کنند، کم کم از منابع پاک می‌کنند، بعد هم می‌گن اصلاً ما همچین روایتی نداشتیم! نمی‌تونن دست به روایت بزندن علمای بصیری داره اهل سنت، یک سخنرانی داشتم گوش می‌کردم، یکی از علمای مصری، می‌گفت اهل سنت برای امام حسین عزاداری می‌کردند، چه کردند با دین ما، علمای اهل سنت ها، چه کردند با دین ما، از اساتید دانشگاه الازهر مصره، می‌گه «چه کردند با دین ما، که امروز ما مخالف شدیم، ما آیا امروز یزید رو به عنوان یه فاسق معرفی می‌کنیم؟!» ما آدمهای بصیر زیاد داریم تو اهل سنت، لذا اینها اجازه نمی‌دن که بخواد به همین راحتی دست به منابع بزنی و عوض کنند لذا کم کم، خاموش، خاموش، من شنیدم اون‌هایی که کتاب‌هایی هدیه گرفته بودند - شنیده ام ولی ندیدم البته منبع موثق بود که - تو عربستان قرآن‌هایی به مردم داده بودند که بعضی آیات حذف شده بود! و شاید بعضی از ما که

باشیم اصلاً نفهمیم، ما راحت تا آخر می خونیم و اصلاً متوجه نمی‌شیم که این آیه وسط اصلاً نبود. این‌ها شیطنت‌هایی که کم کم می‌تونه جا بیافته!

دیدگاه روایی شیعه می‌گه روایاتی که مربوط به گذشته است، احوال گذشته رو داره می‌گه روشنه برای ما، اونایی که مربوط به حاله خیلی روشن نیست، چرا روشن نیست؟ چون باید تطبیق زده بشه خیلی جاها، که ما هم نباید اهل تطبیق باشیم، مثلاً یمانی آمده یا نیامده؟ بعضی‌ها اومدند خودشونو یمانی معرفی کردند! یا آیا ابوبکر بغدادی سفیانیه؟! اینا روشن نیست برای ما، گرچه خیلی از روایات برای ما تقریباً روشنه، تقریباً روشنه... خوب بگذریم.

علائمی داریم حتمی ست و علائمی داریم غیر حتمی ست. یه سری علائم حتمی داریم که به چه کیفیتی اتفاق می‌افته؟ چه زمانی طول می‌کشه، از فلان علامت تا ظهور امام، اینا تقریباً روشنه، اون روایات روایات آینده‌اند، حکومت حضرت مهدی باز روشنه برامون، کامل روشنه، حضرت بیان چه خواهند کرد؟ عدل و داد رو بر کل جهان حاکم می‌کنند، حکومت جهانی بر پا می‌کنند، چه می‌کنند؟ این‌ها همه روشنه و هیچ خدشه‌ای هم توش نیست. نمی‌تونیم بگیم نه ممکنه مثلاً آقا بیان به جای اینکه عدل رو در جهان گسترش بدن ظلم رو گسترش بدن، همچین چیزی نیست، همونی که روایات می‌گن برای ما روشنه.

اهل سنت چی؟ اصل مهدویت رو این‌ها پذیرفتن، یه اختلافی که با این‌ها داریم سر حسنی و حسینی بودن، اهل سنت می‌گن حسنی است، ما می‌گیم حسینی، یعنی چی حسنی ست؟ یعنی از نسل امام حسن مجتبی است. ما می‌گیم حسینی، اشکال هم پیدا نمی‌کنه و درسته، اگه گفتین چرا؟ چون امام سجاد (علیه السلام) با دختر امام حسن مجتبی (علیه السلام) ازدواج کردند و امام محمد باقر (علیه السلام) به دنیا آمدند، پس حضرت هم حسنیه هستند و هم حسینی، البته ممکنه یه بحث دیگه‌ای هم باشه: قدیم خیلی این "نقطه‌ها" وجود نداشت دیگه، لذا بعدها نقطه اضافه شده، قرآن‌های کوفی رو نگاه کنید می‌بینید نقطه و این‌ها نداره، بالاخره تو این منابعی که بعداً دست به دست گشته که ممکنه پاک شده باشه...

اما یه جاهایی با هم اختلاف جدی داریم، هنوز خودم به یه نتیجه واحدی نرسیدم، بنده خودم دیدم که از علمای اهل سنت زاهدان می‌گفت که «حضرت مهدی (عج الله) فرزند امام عسگری (علیه السلام) است و به دنیا هم آمده، ایشون در غیبت به سر می‌بره...» علمای اهل سنت هستند، عرفا و اهل تصوفشون اصل مهدویت رو قبول دارند و ولادت رو هم قبول دارند که شاید جزء این بخش باشند، قبل از آن سکولارها و غرب زده‌ها انکار اصل مهدویت و انکار ولادت می‌کنند، احادیث گذشته برای اهل سنت روشنه، حال و آینده مهمه... گرچه تا حدودی آینده روشنه، البته یکی از مفتی‌های وهابی توی شبکه‌ای در ماهواره همیشه صحبت می‌کنه (از مفتی‌های سوریه‌ست، سوریه داره توسط ایشون هدایت می‌شه) در یه سخنرانش میگه «انشاء الله در رکاب سفیانی علیه مهدی خواهیم جنگید!» آینده هم که هر دو می‌گیم روشنه، که یه منجی‌ای خواهد آمد چه خواهد کرد و چه خواهد کرد... از مشترکات ما و اهل سنت است که یکی تو بحث نسب حضرت

مهدی (ع) است، این اهل بیت و فرزندان رو گفتم هم اهل سنت نقل می‌کنه هم شیعه، منبعی که ما زدیم اینجا هر دو هم سنن ابن ماجه آمده هم "شیخ طوسی در الغیبه" نقل کرده، پس ما مشترکیم در اینکه :

(مشترکات بین شیعه و سنی در روایات) :

۱. **نَسَب :** حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان پیغمبره، گفتم که تا امام حسن (علیه السلام) مشترکیم. اشتراک در نام، کنیه و لقب، روایتمون مشترکه، اهل سنت هم قبول دارند که مردی خواهد آمد اسمش اسم پیغمبره، کنیه ش کنیه ی پیغمبره، هر دو از منابع شیعه و سنی ست. از نسل امیرالمومنین و حضرت زهراست که هم اهل سنت می‌گن هم شیعه می‌گن.

۲. **شمائل حضرت :** (یه چیزی یادم اومد بگم بهتون، هدف تو کار خیلی مهمه، خواهشم اینه که با هدفِ عالی سر کلاس‌ها بیاید، هدف عالی **حداقلش** اینه که ما یه چیزی یاد بگیریم، **حداکثرش** اینه که ما یه چیزی یاد بدیم، آمدید این جا یار باشید، یار حضرت، نه مثل بعضی از خانه نشین‌ها که فقط عبادت می‌کنن! که ما به خودمون کار داریم، بقیه رو ولش کن! حالا من چی کار دارم به سیاست، به من چه که تو یمن دارن مردم رو می‌کشن، به من چه که تو بحرین چه می‌گذره، تو سوریه چی شده، به من چه تو عراق چی شده! ما این جور نباشیم، مهم باشه، پس ما نگاه حداکثری داشته باشیم، به دیگران منتقل کنیم. حداقل نقطه ای که به حداکثر می‌رسه اینه که بنویسید. یه کاغذ و قلم همراهتون باشه حرف‌هایی که تو جلسات گفته می‌شه بنویسید...)

شمائل حضرت مهدی (علیه السلام) : مشترکات ما در شمائل هم همین طوره، که **المهدی من وُلدی** تو بحث آمده از **پیشانی بلند** حضرت، که اهل سنت هم نقل می‌کنن، شیعه هم نقل می‌کنه این مشترکات رو. بحث بعدی **خال بر گونه** است که در منابع اهل سنت و از مشترکات ماست، **دندون‌های از هم جدای حضرت**، که هم اهل سنت نقل می‌کنند هم شیعه، **جوان بودن حضرت** هنگام قیام با اینکه بیش هزارسال عمر دارند، وقتی میان در چهره‌ی مرد جوان حدود چهل ساله هستند.

۳. و امور مربوط به قیام :

۱. حتمی بودن قیام : اصلا بحث حقیقی بودن قیام نه ما، همه می‌گن، حتی برخی از این فرقه‌های انحرافی به خاطر اینکه خودشونو به دین وصل کنند اومدن برای اینکه از این قاعده مستثنی نشن برای خودشون یه مهدی تراشیدند، یه موعود و منجی تراشیدند، چون لاجرم یه اعتقاد به منجی باید وجود داشته باشد تو همه ادیان ابراهیمی، بلا استثناء. و اینم جالبه مسیحیت و یهودیت هم به دنبال منجی هستند، وقتی به یک نقطه مشترک می‌رسید، می‌بینیم همه شون دنبال یه نفرند، واسه مسیحی‌ها یکی رو نقل کردند عیسی‌ست، یهودی‌ها می‌گن ماشیح، اما همین ماشیح خیلی جاها مشترک با حضرت مهدی، صفاتشونو نگاه کنید! تو اهل سنت هم از جمله، حتمی بودن ظهور که روایت هم دارن از پیغمبر، اینا نقل می‌کنن.

۲. وجود اعتقاد به مهدی : هم شیعه داره، هم اهل سنت، که هر کس منکر خروج مهدی باشه کافره، بعد این کتابی که در عربستان توزیع میشد که «مهدی عجیب ترین دروغ تاریخ»؟! این چیه دیگه پس!!!

۳. بیعت بین رکن و مقام: می‌دونید دیگه، رُکن؛ اون قسمتی که حجرالاسود هست، و مقام ابراهیم اونجا مکانیه که بیعت امام و یارانشون اتفاق می‌افته، ندای حضرت همون جا اتفاق می‌افته **الا یا اهل العالم** صدا می‌زنه که اهل عالم می‌شنوند ندای مهدی که برسه، خیلی عجیبه‌ها، شما فتنه رو یادتونه (فتنه ۸۸)، که هنوز هم یه عده‌ای شک دارند، این وری‌ها می‌گفتند ما حق بودیم شما ناحق بودید، اون وری‌ها می‌گفتند ما حق بودیم شما ناحق بودید! هنگام ندا و صحیحۀ جبرائیل، مشابهش یه ندای دیگه هم میاد، همه رو به شک میندازه، اه! اولی چی بود؟! دومی چی بود؟! هر دو عجیبند! می‌گه جبرائیل از بطن عرش صدا می‌کنه، شیطان از بالای آسمان سوم صدا می‌ده، هر دو عجیبه، همه تعجب می‌کنن، می‌گن کدوم درسته، اون می‌گه فلانی به حَقّه، اون می‌گه فلانی به حَقّه، هم شک و تردید برای بعضی اتفاق میفته و هم باید میان حق و ناحق یکی رو انتخاب کنه! لذا همیشه مراقب باشیم، اشاره به بصیرت داره، اون جا بیعت اتفاق می‌افته، زمانی حضرت مهدی (عج) الله) بین رکن و مقام بیعت می‌کنن با اصحاب خودشون.

۴. تعداد یاران: که چند تا یار داره حضرت، باز ما با اهل سنت در روایات مشترکیم.

۴. در مورد نشانه‌های قیام:

۱. ندای آسمانی: می‌دونید که ۵ تا علائم حتمیه داریم: خروج یمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، صحیه آسمانی، قتل نفس الزکیه. این صحیه یا همون ندای آسمانی رو اهل سنت هم معتقدند که ندای آسمانی اتفاق می‌افته، گفتیم یه ندای جبرائیل، یه ندا، ندای شیطان
۲. خسف بیداء: هم شیعه نقل می‌کنه هم اهل سنت که از علائم و نشانه‌های ظهوره
۳. قتل نفس الزکیه: هم ما نقل می‌کنیم هم اهل سنت نقل می‌کنه... پس نگاه کنید خواهش می‌کنم ذهنتون به اینجا هم جرقه بزنه که ما با اهل سنت تو اینجا هم با هم مشترکیم، حرف مقام معظم رهبری چیه؟ چرا این قدر به اختلافات دامن می‌زنیم؟! وظیفه اهل بیت چه بوده؟ چه می‌کردند؟! هدایت دیگه، قرار نیست ما همه رو بکشیم و فقط بگیم ما هدایت شونندگان همه صالحیم. انبیاء و اهل بیت اهل هدایتند، راه هدایت هم این نیست، قرآن می‌گه "به بُت فحش ندید، چون به خدات فحش میدن" زیرا روش اسلام فحش دادن نیست، لذا اینو می‌خوام بگم ما مشترکات زیادی داریم...

۴. حکومت جهانی: که از نشانه‌های قیامه، هم شیعه و هم اهل سنت نقل می‌کنن، و هر دو معتقدند حکومت، حکومت جهانی ست. در رأس دستاوردهای حکومت چه اتفاقاتی که می‌افته؟ بحث امنیت، بحث عدالت، بحث رضایت همگانیه.
۵. نزول عیسی بن مریم: عیسی خواهد آمد، اهل سنت هم نقل می‌کنن، که عیسی میاد...

پس مشترکاتمون پیرامون ۵ تا چیزه، حرفهای اختلافی مون چیه؟ در مورد نسب گفتیم که تا یه جایی ما با هم مشترکیم توی یه موردیش با هم اختلاف داریم، تو بحث ولادت با هم اختلاف داریم، ما متعقدیم که حضرت مهدی مثل حضرت موسی آثار

حمل بر مادرشون نبود، شخصیت اخلاقی حضرت چیزهایی پیرامون حضرت می‌گیم مثلاً بحث عصمت حضرت، خیلی
مباحثی که با هم اختلاف داریم، تخریب مساجد، و موارد اختلافی در سنت پیغمبر از جمله مواردی که با هم اختلاف
داریم...